



**The Role of Women's Economic Activism in the History of Iran and
the Islamic World in Sustainable Urban Development
(Case Study: Women's Endowments)***

Muhammad Baghestani Koozehgar ¹



Abstract

Women, from the emergence of Islam to the rise of the Islamic world and Islamic civilization, despite certain limitations, have had opportunities to play various social roles. One of the important areas of economic activism where women's presence has been legitimate and a significant instance emphasized by Islam in the economic field is the creation of financial endowments.

The result of this effective presence is the numerous endowments by women throughout the history of Iran and the Islamic world in various fields. The issue of this research is to examine the role of some of the most important women's endowments in sustainable urban development. The author, using a descriptive- analytical method, explains the function of these endowments and examines their direct achievements (the specific impact of women's endowments on sustainable urban environmental development with economic, cultural, and social dimensions) and indirect achievements (respect for women's property rights and social participation in economic activism throughout Islamic history).

Keywords: endowment, Iran, Islamic world, Islamic civilization, women, sustainable urban development.

* Received: 22 Feb 2022, Accepted: 18 July 2024

DOI: 10.22081/jtc.2024.63402.1005

1. Assistant Professor, Islamic Sciences and Culture Academy. mo_baghestani@yahoo.com



نقش کنش‌گری‌های اقتصادی زنان در تاریخ ایران و جهان اسلام بر توسعه پایدار شهری

(مورد پژوهی: موقوفات زنان)*

محمد باغستانی کوزه‌گر^۱ 

چکیده

زنان از پیدایش اسلام تا پیدایش جهان اسلام و تمدن اسلامی جدا از پاره‌ای محدودیت‌ها، فرصت نقش‌آفرینی‌های گوناگون اجتماعی هم داشته‌اند. یکی از عرصه‌های مهم کنش‌گری اقتصادی که حضور زنان در آن مشروعیت داشته است و یکی از مصادیق مهم و مؤکد اسلام در عرصه اقتصاد ی بوده است، ساخت موقوفات مالی می‌باشد. حاصل این حضور مؤثر، موقوفات پرشمار زنان در تاریخ ایران و جهان اسلام در موضوعات گوناگون است. مسئله این پژوهش بررسی نقش شماری از مهم‌ترین موقوفه‌های زنان در توسعه پایدار شهری است. نویسنده با روش توصیفی تحلیلی کارکرد این موقوفات را تبیین می‌کند و دو گروه دستاورد مستقیم (اثرگذاری ویژه موقوفات زنان در توسعه پایدار محیط زیست شهری با ابعاد اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی شهرها) و غیرمستقیم (احترام اسلام و جامعه اسلامی در گذر تاریخ به حق مالکیت و مشارکت اجتماعی زنان در کنشگری اقتصادی، هوشمندی اجتماعی) آنها را بررسی می‌نماید. واژگان کلیدی: موقوفه، ایران، جهان اسلام، تمدن اسلامی، زنان، توسعه پایدار شهری.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۰۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۲۸

DOI: 10.22081/jtc.2024.63402.1005

شناسه دیجیتال:

mo_baghestani@yahoo.com

۱. استادیار پژوهشگاه اسلامی تبریز، پژوهشگاه فرهنگ و علوم اسلامی

پیشینه پژوهش

در زمینه کارکرد موقوفات در شهرهای ایران و جهان اسلام به‌طور منطقی‌ای پژوهش‌های گوناگون و پرشماری انجام شده است. در پاره‌ای از پژوهش‌ها، صرفاً گزارش‌هایی درباره موقوفات موجود ارائه شده است و در پاره‌ای دیگر، این گزارش‌ها با تحلیل‌هایی نیز همراه بوده است. در ایران مقالاتی چون «کارکردهای موقوفات زنان از مشروطه تا پایان دوره پهلوی اول (نمونه پژوهی: موقوفات زنان تهران)»، ملک‌زاده، ۱۳۹۶؛ «موقوفات زنان در دوره صفوی و عثمانی»، ارجح، ۱۳۹۱؛ «موقوفات زنان یزد از دوره آل مظفر تا اواخر قاجاریه»، چراغی، ۱۳۹۸؛ «موقوفات ماندگار از بانوان اصفهان از عصر صفوی»، ریاحی، ۱۳۹۸؛ «بررسی روند تغییرات نقش و جایگاه موقوفات زنان از عصر صفوی تا حال حاضر»، شاطری، ۱۳۹۳ و «نقش وقف زنان در توسعه اجتماعی فرهنگی؛ مطالعه موردی شهرستان‌های بیرجند، سریشه و درمیان»، شاطری، ۱۳۸۷. در مقالات یادشده و ده‌ها مورد مشابه بیشتر همت نویسندگان به توصیف موقوفات زنان و شمارش کمی آنها معطوف بوده است، به جز مقاله آخر که نویسندگان به مواردی که موقوفه‌های زنان منطقه مورد مطالعه به توسعه پارک‌های شهری و... اختصاص یافته است، پرداخته‌اند و البته بدون تحلیل کلی از آثار آنها بر توسعه شهری سخن گفته‌اند. در جهان اسلام نیز موضوع موقوفات زنان، ده‌ها مقاله و کتاب و رساله را به خود اختصاص داده است که شماری از آنها همچون مقاله «وقف کمصدر دعم للرعاية الاجتماعية - شواهد من حضارة الاسلامیه»، حبوسه، ۲۰۲۰م، گزارشی محض از خدمات رایج اجتماعی از درآمد موقوفه‌هاست. در مقاله «الاقواف النساء العلمیة فی الدول العربیة الاسلامیة»، مروه غازی، ۲۰۲۰ نویسنده به معرفی و توصیف شماری از موقوفات زنان مسلمان در عراق و شام، مغرب و مصر پرداخته است. همچنین مقاله «اقواف المرء فی الاندلس و دورها الحضاری (خلال العصرین الاموی و الملوک الطوائف)»، زناتی، ۲۰۰۳م به بحث و بررسی موقوفات زنان اندلسی در همان دوره تاریخی پرداخته و ضمن اختصاص بخش پرشماری از صفحات مقاله، تحلیلی‌هایی هم از آثار این موقوفات به عمل آمده است. تردیدی نیست که این مقالات به‌گونه‌ای پیشینه این پژوهش به

شمار می‌آیند، اما رویکرد به موقوفات زنان از منظر اثرگذاری آنها بر توسعه پایدار شهری در هیچ یک دنبال نشده است.

چهارچوب نظری پژوهش

ایده توسعه پایدار شهری، نگره‌ای نوین به زیست شهری است که در پی ناکارآمدی‌های فضاهای شهری مدرن که با آسیب‌رسانی‌های جدی به محیط زیست همراه شد، ظهورکرد و با هدف فراهم آوردن زیستی بدون آسیب به محیط طبیعی رونق یافت. اگرچه بنیان این نگره (که می‌تواند یک چهارچوب نظری نوین به زیست شهری باشد) زیست محیطی است، اما از ابعاد اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی جدا نیست؛ زیرا پایداری اقتصادی، ارتقای شرایط اقتصادی را در پی دارد و پایداری اجتماعی، موجب تحقق عدالت اجتماعی و ارتقای کیفیت زندگی انسانی می‌شود و پایداری آن به ارتقای امید به زندگی و آینده منجر می‌گردد و پایداری مکانی هم که با توزیع متناسب سکونتگاه‌ها در محیط جغرافیای شهری به وجود می‌آید. مجموع اینها در کل، توسعه پایدار را رقم می‌زنند. (ضرابی، ۱۳۹۲: ۱۷-۱۲) اگرچه نمی‌توان آشکارا از وجود دیدگاه‌هایی در ساخت شهرهای دوره پیشاصنعتی همانند این دیدگاه مدرن سخن گفت، اما همین که این شهرها، سده‌های پیاپی، حیات زنده و بالنده داشته‌اند و جمعیت‌های پرشماری را نسل‌به‌نسل در خود جا داده‌اند، نشان پایداری آنهاست. بنابراین می‌توان شماری از شاخص‌های محیط زیستی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را که امروزه از عوامل توسعه پایدار به شمار می‌آیند، در حیات بالنده آنها جستجو کرد و از روایی کاربرد این اصطلاح برای آن دوره تاریخی نیز اطمینان یافت. با وجود دو تقسیم رایج درباره کارکردهای شهری موقوفات؛ یعنی تقسیم دوگونه کارکردی موقوفات (شهابی، ۱۳۸۳: ۷۲) و تقسیم چهارگونه کارکردی موقوفات (اهلرز، ۱۳۷۴: ۵۲) که هر یک می‌توانند چهارچوب‌های نظری این پژوهش قرار گیرند، اما با توجه به عرصه‌های گسترده موقوفه‌گذاری زنان مسلمان، قرار گرفتن ایده توسعه پایدار شهری، کارآمدی توصیفی-تحلیلی بهتری را پیش روی انجام این پژوهش قرار داده است. گفتنی است در این پژوهش با توجه به شمار بالای موقوفات زنان در ایران و جهان اسلام و فراگیری عرصه‌های چهارگانه

مهم در موضوع توسعه پایدار شهری در هر یک از عرصه‌ها به نمونه یا نمونه‌های برتر از منظر کارکردی، فارغ از مکان و زمان موقوفه پرداخته شده است و همچنین با هدف نشان دادن گستردگی جغرافی، نمونه‌های کوچک‌تر نیز یاد شده‌اند.

۱. محیط زیست محوری ساخت شهری در موقوفه‌های زنان در ایران و جهان اسلام

در ایران، به‌عنوان محیط پیدایش تمدن اسلامی با وجود کثرت شهرهای کهن و نوین، هماهنگی کاملی میان ساخت شهرها و آبادانی آنها با محیط زیست وجود داشته است؛ زیرا هم در جهان باستان و هم در سده‌های میانه پیشاصنعتی، دیدگاه ارزشی نسبت به محیط زیست طبیعی بر اندیشه عموم شهروندان جهان حاکم بوده است. در این باره شواهدی پرشمار از وجود چنین باورهایی و تأثیرات آن بر شهرسازی حکایت می‌کنند. به‌عنوان نمونه، جهان ایرانی عصر باستان و جهان ایرانی عصر اسلامی آکنده از این باور مشترک به قداست محیط زیست بوده است و ساکنان آن چنین ادراکی از محیط طبیعی داشته‌اند. این باور بر پایه اعتقادات مذهبی در هر دو جهان ایرانی، شکل گرفته است و بر اساس همین نگره هم شهرها، هماهنگ با محیط زیست طبیعی در هر دو جهان ایرانی پیش و پس از اسلام ساخته شده‌اند و با کمترین آسیب به محیط زیست طبیعی، توسعه پایداری را تجربه کردند (فرهی فریمانی، ۱۳۹۵: ۴۲-۳۳). اما در این توسعه پایدار محیط زیست‌محور در ایران و جهان اسلام، موارد گوناگونی از موقوفه‌های زنان، کارآمد شدند؛ زیرا قانون وقف که در واژه‌شناسی به معنای نگهداشت چیزی و در اصطلاح، به معنای نگهداشت اصل مال (اموال ثابت چون زمین و...) و آزاد ساختن منافع آن بود (حلی، ۱۴۲۰: ۳: ۲۸۹)، به ثبات محیط زیست امداد می‌رساند. آنگاه که هکتارهای زمین‌های کشاورزی، باغ‌ها، و صدها پارچه آبادی و دهات، موضوع وقف قرار گرفتند، اجاره بهای آنها - که مستلزم نگهداشت کارآمد این مناطق بود- به حفاظت پایدار از محیط زیست در ادوار بلند تاریخی انجامید. بنابراین در عمل، محیط زیست‌محوری، ساخت و تجهیز شهرها در ایران (و دیگر قلمروهای تمدن اسلامی) را از راه چنین موقوفه‌هایی که زنان هم در پیدایش آنها سهم داشتند، میسر ساخت. در ادامه به یک نمونه مهم از چنین موقوفه‌های زن‌بنیادی اشاره می‌شود.

۱-۱. بانوی سازنده یک سازه مذهبی محیط زیست محور از موقوفه (مسجد جامع گوهرشاد):

یکی از سازه‌های کهن محیط زیست محور شهری در ایران، به یک بنای مذهبی اختصاص یافته است. این مسجد با هزینه گوهرشاد آغا همسر شاهرخ میرزا، پسر امیر تیمور گورکانی در فاصله سال‌های ۸۱۸ تا ۸۲۱ ق در ضلع جنوبی حرم مطهر رضوی ساخته شد. (حافظ ابرو، ۱۳۷۲). از منظر موقوفه‌گذاری این مسجد هم به وقف واقف اولیه خود موقوفه‌های فراوان از اراضی و باغ‌های مختلف داشته است و هم در گذر تاریخ، عامل موقوفه‌گذاری‌های پرشماری شده است که سده به سده تا روزگار ما ادامه یافته است. بیشتر واقفان در سده‌های پس از ساخت این مسجد، بخش‌هایی از محیط زیست آبادی‌ها و زمین‌های کشاورزی و باغ‌ها و چشمه‌ها و قنات‌های اطراف شهرهای مشهد و نیشابور را برای حفاظت از این مسجد جامع وقف کرده‌اند (یزدی مطلق، ۱۳۸۰: ۱۸۵-۱۹۲). این موقوفه‌گذاری پدیده‌ای با توجه موقعیت مذهبی شهر مشهد، حرم رضوی و ساخت‌وسازهای بعدی آن در سده یازدهم هجری قمری و در عهد شاه عباس اول اهمیت فراوان داشته است. به‌ویژه شاه عباس اول به موقعیت فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی این شهر رفعت بی‌سابقه‌ای بخشید و زمینه‌ساز ورود جمعیت بیشتری به‌عنوان زائران حرم رضوی و نیز جمعیت مهاجر به این شهر گردید که مقتضی توسعه گسترده‌تر آن بود. با گذشت بیش از ششصد سال از بنای این مسجد در کنار حرم رضوی و پابرجا بودن جریان موقوفه‌گذاری برای این بنا در همه این سده‌ها، توجه به این اصل را در توسعه پایدار شهری شهر مشهد نشان می‌دهد که در قالب ساخت یک بنای مذهبی صورت گرفته است. این شیوه از موقوفه‌های محیط زیست محور در ساخت دیگر سازه‌های شهری اعم از مدرسه‌ها، پل‌ها، رباط‌ها، مزارات، راه‌ها، حمام‌ها و دیگر بناهای عام‌المنفعه در شهرهای ایران و جهان اسلام مرسوم بوده است. این مهم در یکی از پژوهش‌های معاصر که با هدف تأثیر درآمدهای روستاهای وقتی بر توسعه شهری در شرق اسلامی نگاشته شده است به تفصیل درباره شهرهای بزرگی چون اصفهان و استانبول و قاهره و حلب و بیت‌المقدس و ملایر و غیره نشان داده شده است (ضیاء توانا، ۱۳۷۴: ۵۰-۵۳) و می‌تواند محیط زیست محوری را در ساخت آن شهرها نیز بنمایاند.

۲. اقتصادمحوری موقوفه‌های شهری زنان

تردید وجود ندارد که توسعه پایدار شهری افزون بر محیط زیست محوری، نیازمند رونق اقتصادی است و این پدیده مقدمات دیگری چون برقراری امنیت، زیرساخت‌های ارتباطی، حمایت‌های گوناگون از صاحبان حرفه و مشاغل و غیره نیاز دارد.

۲-۱. بانوی طراح رونق اقتصادی یک ایالت بزرگ با ابداع کاربری‌های تازه از موقوفه‌سازی

یکی از نمونه‌های شاید بی‌نظیر در تاریخ ایران و جهان اسلام (به‌عنوان قلمرو تمدن اسلامی) موقوفات ترکان خاتون، حاکم کرمان عصر قراختانیان در عهد حاکمیت سلسله ایلخانان مغول بر ایران بود. این بانوی مدیر و سیاست‌پیشه با پدیده وقف ارتباطی دوگانه ایجاد کرد و توانست از این ارتباط دوگانه، مکملی برای رشد و توسعه بی‌نظیر تاریخی در ایالت کرمان (در یکی از دشوارترین ادوار تاریخ ایران پس از اسلام با توجه به هجوم ویرانگر مغول بر این سرزمین و سیطره ناامیدی بر قلب‌های ساکنان ایران) به‌وجود آورد. با استقرار حکومت ترکان خاتون به فرمان هولاکوخان مغول (مؤلف ناشناس، ۱۳۵۵: ۹۴) درخششی فوق‌العاده در عرصه موقوفه‌گذاری از خود نشان داد به‌نحوی که کتابی مستقل درباره موقوفات او تدوین شد (همان: ۹۲). استفاده از مهریه ده هزار دیناری خود برای اتمام مدرسه موقوفه‌ای قطب‌الدین سلطان پیشین و همسر وی (عصمت‌الدین قتلغ ترکان) (همان: ۱۰۸) در کنار موقوفه‌سازی‌های متعدد برای سازه‌های شهری پرشمار و گوناگون (خیراندیش، ۱۳۷۹: ۲۵-۳۲) و فراهم آوردن زیرساخت‌های رونق بازرگانی با استفاده از سنت وقف، مهم‌ترین اقدامات تحولی ترکان خاتون بود که توانست وقف را در مسیر نیازهای فوری ایالت کرمان به کار گیرد. ترکان خاتون در اطراف کرمان نیز عمارات و موقوفاتی برپا کرد که کاربرد اصلی آنها در تجارت و مسافرت بود. در دوران فرمانروایی او تجارت کرمان روزبه‌روز رونق بیشتری یافت. این امر دلایل متعددی داشت از جمله انتقال مرکز تجارت خلیج فارس از کیش به هرمز که سربندر کرمان به‌شمار می‌آمد. از آنجا که در قرن هفتم هجری تهاجمات مغولان، صفحات شمالی آسیا از چین تا ایران و شام را در نوردید و نیز جدال‌های طولانی میان جانشینان چنگیزخان در آسیای مرکزی، قفقاز و شمال چین

رخ داد، تجارت جهانی از طریق اقیانوس هند و خلیج فارس بیش از اندازه گسترش یافت. برای تجارت در خلیج فارس دو ایالت فارس و کرمان سخت در رقابت بودند و برای یک دوره که ترکان خاتون فرمانروایی کرمان را بر عهده داشت، آن ایالت برتری خاصی در امر تجارت به دست آورد. کرمان از یک سو با یزد و اصفهان و از سوی دیگر با خراسان و هند تجارت می کرد و همه آنها با تجارت دریایی کرمان مرتبط بودند. آبادسازی این راهها و ساخت رباطها و کاروانسراهای میانراهی و امنیت افزایی مسیرها با استخدام نیروهای نظامی مجموعه ای از اقدامات ترکان خاتون برای رونق تجارت بود که همه زیرساخت های آن از طریق وقف، میسر شد (خیراندیش، ۱۳۷۹: ۳۴؛ روستا، ۱۳۹۷، ۲: ۱۵۳-۱۷۲؛ چمنکار، ۱۳۹۱: ۳۶-۱۸؛ ترکمنی آذر، ۱۳۸۹: ۲۰-۱) با رونق بازرگانی استخراج معادن (کاشانی، ۱۳۴۵: ۷۲) و صنعت پارچه بافی در کرمان (مؤلف ناشناس، ۱۳۵۵: ۳۰۰) هم گسترش فراوانی یافت.

تردید وجود ندارد که وقف، عامل اصلی رونق اقتصادی ایالت کرمان در این دوره بوده است و به همراه آن، دیگر ابعاد توسعه شهری پایدار را هم موجب شده است.

۲-۲. مشارکت موقوفه های زنان در ساخت شهر موقوفه ای موستارد در بوسنی هرزه گوین در عهد عثمانی ها

یکی از تحولات مهم در موضوع وقف در جهان اهل سنت که از آن به انقلاب در وقف تعبیر شده است، وقف سکه رایج می باشد که براساس آن واقف سرمایه نقدی را در اختیار بازرگانان برای تجارت قرار می داد و بر اساس سود سالانه بین ۱۰٪ تا ۱۵٪ قرارداد منعقد می شد، سپس این سود در راه های خیر مصرف می شد. این موقوفه که پول نقد بود از همگنان خود که به طور معمول اعیان ثابتی مانند زمین و خانه و غیره بود، متفاوت گردید و به تعبیر یکی از پژوهشگران این عرصه، انقلابی در موقوفه گذاری در خلافت عثمانی ایجاد کرد. این موقوفه گذاری نو نخست در استانبول، سپس در شبه جزیره بالکان، بوسنی هرزه گوین و دو شهر معروف آن یعنی سارایوو و به ویژه موستار، رونق یافت و در هر دو شهر نیز زنان در این موقوفه گذاری مشارکت داشتند. این شهر که تا پیش از فتح عثمانی یک برج دیده بانی بود با گذشت چهار دهه از فتح آن به یک شهر مرکز استان تبدیل شد و راز این تحول پرشتاب در رونق یافتن وقف نقدی در آن بود. بنابر پژوهش

یکی از پژوهشگران بوسنیایی، عثمانی‌ها افزون بر دین جدید همراه خود یک خیزش تمدنی را برای شبه‌جزیره بالکان به ارمغان آوردند. نکات قابل‌توجه موقوفه‌ها رویکرد جامعی است که واقفان نسبت به ساخت و توسعه همه‌جانبه شهر موستار (شامل نیازهای دینی، اقتصادی و اجتماعی) داشته‌اند. گسترش وقف نقدی موجب خدمات گسترده و رایگان (دینی و علمی و اجتماعی) در این شهر شد که مهم‌ترین آنها عبارتند از: مصرف موقوفه‌هایی که از همین راه به دست آمده بود برای فقیران، موقوفه ویژه ساکنان محله‌های شهر به طور جداگانه (که نام محلات هم در موقوفه آمده است)، موقوفه آب سرد، موقوفه ساخت شبکه آبرسانی شهری در همه مناطق آن با هدف آبرسانی به تمام ساکنان (بادوام بیش از یکصد سال). جمعیتی از مردان و زنان مسلمان و مسیحی در این شبکه به‌عنوان موقوفه‌گذار فعالیت می‌کردند که در میان نام‌های نوزده‌گانه زنان موقوفه‌گذار به روش وقف نقدی، موقوفه فاطمه خاتون یعنی مسجد جامع معروف شهر موستار و نیز برج ساعت کنار آن (که امروز همچنان پابرجاست)، شهرت بیشتری یافته است. (ارناؤوط، ۲۰۱۴م: ۱۵۸-۱۴۸)

۲-۳. موقوفه راه‌سازی درون‌شهری

در دیگر نقاط جهان اسلام، خبرها و گزارش‌های خرد و کلانی درباره موقوفه‌های راه‌سازی درون‌شهری و برون‌شهری زنان وجود دارد که به اجمال اشاره می‌شود. ابن‌بطوطه از موقوفه‌های ویژه برای بازسازی شهرها پس از زلزله و سیل و آبادانی راه‌های میان‌شهری در شام گزارش می‌دهد (ابن‌بطوطه، ۱۹۷۵م، ۱: ۷۹). یکی از آنها موقوفه صالحه خاتون به سند نگاشته شده در سال ۶۷۵ق و ویژه آبادانی و مرمت راه‌ها و بناهای شهری پس از آسیب‌های جنگی است (شیخه، ۱۴۳۵ق: ۲۱۱) که در حد خود از توجه به یکی از زیرساخت‌های مهم رونق ارتباطات درون‌شهری نشان دارد که از مقدمات رونق اقتصادی بوده است.

۲-۴. موقوفه به‌سازی راه‌های میان‌کلان‌شهرها

راه‌سازی میان‌شهری بدون تردید آثار و پیامدهای گوناگونی برای شهرهای مبدأ و مقصد دارد. رونق سفرهای

تجارتی، زیارتی، علمی و سیاحتی مجموعه‌ای از آثار راه‌های ارتباطی است. هر اندازه شهرهای مبدأ و مقصد از اهمیت بیشتری برخوردار باشند، ساخت راه و نگهداری و مرمت آنها نیز ارجح و ارزش بیشتری می‌یابد و به توسعه پایدار شهری یاری می‌رساند. یکی از موقوفات مهم که دارای آثار تمدنی بوده و از مصادیق به‌کارگیری وقف در توسعه پایدار شهری به‌شمار می‌آید، موقوفه زبیده خاتون، یکی از همسران قدرتمند هارون الرشید و دختر خواهر خیزران بوده است که در روزگار خویش از زنان ثروتمند دربار او به شمار می‌آمد. او سالانه دو میلیون درهم درآمد از ناحیه محصولات کشاورزی و باغ‌ها داشت (رشید، ۱۹۵۹: ۲۳۵). وی در اواخر عمر به ساخت بناهای عام‌المنفعه فراوانی روی آورد و به‌ویژه موقوفات پرشماری را وقف آبادانی راه بغداد-مکه کرد و در هر یک از منازل بین‌راهی، امکانات ویژه برای مسافران تدارک دید و چاه آب‌های پرشماری را برای حجاج بیت‌الله فراهم نمود. در این میان، رساندن آب شیرین به مکه و نیز حفر چاه در عرفات و وقف هزینه‌های سنگین برای نگهداری بناهای مذکور میان‌راهی از مهم‌ترین اقدامات وی بود (بغدادی، ۱۴: ۴۳۳). این موقوفه‌ها و اموال وابسته به آن چنان پایدار ماندند که راه بغداد - مکه به «درب زبیده» معروف شد و ابن‌جبیر جهانگرد قرن هفتمی از همه آثار میان‌راهی بغداد - مکه و موقوفه‌های زبیده یاد کرده است (ابن‌جبیر، ۲۰۰۳م: ۱۶۲-۱۶۳). پس از او ابن‌بطوطه نیز در سده هشتم از این موقوفه‌ها گزارش داده است (ابن‌بطوطه، ۱۹۷۵م، ۱: ۱۹۳).

بغداد (بزرگترین شهر جهان اسلام هنگام وقف این موقوفه بزرگ و پردامنه) به‌عنوان مبدأ سفرهای پرشمار به مکه (بزرگترین شهر مذهبی جهان اسلام) از یک‌سو و از سوی دیگر به‌عنوان شهر میان‌راهی برای مسافران مسلمانان اندلس و مغرب و مصر که به قصد علم‌جویی در پی رساندن خود به بغداد بودند، و همچنین برای مسلمانان شرقی‌ترین مناطق جهان اسلام که به قصد رسیدن به مکه به بغداد وارد می‌شدند، جایگاه مهمی داشت و همین امر، اهمیت تمدنی ساخت و نگهداری راه میان بغداد و مکه را آشکارتر می‌کند. تردیدی وجود ندارد که گزارش دو جهانگرد معروف سده هفتم و هشتم هجری از آبادانی راه معروف «زبیده خاتون» و موقوفه‌های فراوان آن پس از گذشت ششصد سال از آبادانی آن شاهراه ارتباطی

عظیم میان این دو کلان‌شهر جهان اسلام - که پایداری موقوفه‌های تعمیر و مرمت آن را نشان می‌دهد - از شواهد توسعه پایدار این دو کلان‌شهر بوده است.

۲-۵. آبادسازی مرزهای مسلمانان

از اقدامات وقفی سیده شغب ساخت بناهای مختلف در مرزهای مسلمانان بوده است (مسکویه، ۱: ۲۴۳). از دیگر عرصه‌های موقوفه‌گذاری زبیده، آبادسازی مرزهای مسلمانان با رومیان بود که موقوفاتی را برای ساخت راه‌های عبور و مرور، بیمارستان و... اختصاص داد (یعقوبی، ۱۹۶۲: ۲۶). با استناد به همین گزارش‌ها که چکیده‌ای از گزارش‌های بسیار بیشتر بود، می‌توان مطمئن شد که در مجموع، زنان موقوفه‌گذار به توسعه اقتصاد شهری در ایران و جهان اسلام توجه داشته‌اند و بر همین اساس توانسته‌اند به توسعه پایدار شهری کمک کنند.

۳. اجتماعی‌محوری موقوفه‌های شهری زنان در ایران اسلامی

هر اندازه امکان برخورداری عموم مردم از آثار توسعه شهری بیشتر فراهم شود، یکی از عوامل مهم توسعه پایدار یعنی عدالت اجتماعی بیشتر تحقق یافته است. عدالت اگرچه در حوزه زندگی شهری با مصداقی چون عدالت توزیعی گره خورده است، اما در فرهنگ دینی مسلمانان جایگاهی بسیار مهم دارد و اجرای عدالت و عدالت‌ورزی از مسئولیت‌های تک‌تک مؤمنان بوده و هست. مسلمانان در پرتو فرهنگ اسلامی مبتنی بر کتاب و سنت به مسئولیت عدالت‌ورزی آگاهی داشته‌اند. اگر از آثار مهم عدالت را کاهش فاصله طبقات اجتماعی و پیدایش نظام اعتدالی شهری بدانیم، می‌توان تأثیر این آموزه‌ها را در بروز رفتارهای عدالت‌جویانه مسلمانان به‌ویژه در موضوع این مقاله یعنی ساخت موقوفه‌هایی برای حمایت از طبقات اجتماعی ناب‌خوردار توسط زنان مشاهده کرد. گزارش‌های موجود پرشماری از اسناد وقفی زنان در ایران و جهان اسلام با عنوان کلی «خیرات و مبرات» وجود دارد که جزئیات مصداقی کمتری از آنها نقل گردیده است. با وجود این، می‌توان گزارش‌هایی از شماری از مصداق خیرات و مبرات را در میان این

گزارش‌های تاریخی یافت.

۳-۱. موقوفه‌های درمانی

همواره یکی از نیازهای عمومی مردم و ساکنان شهرها، بیمارستان بوده است که به دلیل بیماری‌های گاه، فراگیر و نیز گران‌قیمت بودن داروها و درمان‌ها و هزینه بستی شدن در مراکز بهداشتی، برای شماری از طبقات فرودست جامعه شهری در دسترس نبود و امکان داشت به فاصله طبقاتی جمعیت شهرنشین بیافزاید. به همین دلیل به‌عنوان یکی از مصادیق مهم خیرات، منشأ پیدایش بسیاری از موقوفات در ایران و جهان اسلام بوده است و از همین طریق نیز به کاهش فاصله طبقاتی کمک کرده است.

۳-۱-۱. بیمارستان‌ها

یکی از نخستین بیمارستان‌های جهان اسلام توسط سیده شغب، همسر خلیفه المعتضد بالله عباسی و مادر خلیفه، المقتدر بالله عباسی که یکی از زنان نامدار در عرصه موقوفات اسلامی است، در سده سوم ساخته شد. برخورداری او از ثروت‌های فراوان و کارگزاران مالی پرشمار (عریب بن سعد، ۱۸۹۹م: ۱۱۱) وی را در شمار موقوفه‌گذاران بزرگ شهری آن روزگار قرار داده است. اما بیمارستان السیده در بغداد سده چهارم قمری نام او را به‌عنوان نخستین بانوی بیمارستان‌ساز جاودان ساخت که ریاست آن را به پزشک معروف آن دوره یعنی سنان بن ثابت واگذاشت و سالانه هفت هزار دینار طلا نیز به آن اختصاص داد (ابن تغری بردی، ۲۰۰۵م، ۳: ۱۹۳). دارالشفای ساخته ترکان خاتون که موقوفات آن از درآمد آبادی‌های مختلف تأمین می‌شد با حضور پزشکی ماهر با درآمدی سالانه از موقوفه و همچنین استاد داروشناس با مقرری معین و شماری خادم (مؤلف ناشناس، ۱۳۵۵: ۱۱۵) از دیگر نمونه‌های مراکز درمانی عمومی در کرمان است. اختصاص موقوفاتی به بعضی از بیمارستان‌های شام مانند بیمارستان حصن الاکراد توسط حاجیه مریم از درآمد بستان‌ها و آسیاب‌ها (شیخه، همان، ص ۲۱۲)، موقوفه ست البنین درباره بیمارستان صلاحی (همان: ۲۱۴) و موقوفه‌های زنان، ویژه بیماران جذامی با هدف جلوگیری از انتشار بیشتر بیماری در میان مردم

دمشق (همان: ۲۱۶) از دیگر نمونه‌های موقوفات درمانی بوده است.

۳-۲. موقوفه‌های حمایت مستقیم مالی از طبقات محروم

ایتام و کهنسالان زن و مرد: مانند موقوفه ترکان خاتون با پشتوانه سه قریه آمش و بهر سلیمانی و صعجوجه از توابع رودبار و جیرفت که متولی آن را نیز دختر خود که همسر اباکان مغول بود، قرار داد (مؤلف ناشناس، ۱۳۵۵: ۲۴۷). همچنین موقوفه علم‌الأمریه و رباطی ویژه پیرزنان و مردان و زنان مجرد در قاهره برپا کرد تا زندگی آنها را تأمین کند (فکری، ۱۹۶۵، ۱: ۱۰۱).

یکی دیگر از موقوفات قابل توجه ترکان خاتون، وقف درآمد بعضی از املاک برای غلامان و کنیزان خویش بوده است. در سال ۶۶۹ق حدود نیمی از قریه فهورج و تمام قریه عصمت‌آباد را برای حدود ۲۹ نفر از غلامان و حدود ۳۵ نفر از کنیزان وقف نمود و مقرر داشت سالانه به هر یک از غلامان، هفتصد و بیست من گندم و پانزده دینار زر و به هر یک از کنیزان پانصد و چهل من گندم و ده دینار زر بدهند. افزون بر آن، براساس وقف‌نامه‌ای که تنظیم شد، مسجل گردید این مقرری پس از مرگ ایشان به فرزندان‌شان پرداخت شود. (همان: ۲۲۵-۲۲۴) از دیگر موقوفه‌های اختصاص یافته به این امر می‌توان از موارد ذیل نام برد:

موقوفاتی در حمایت از همین طبقه فرودست اجتماعی در شهرهای شام (۲۰۹)، موقوفه‌های ویژه فرزندان و بردگان و فرزندان آنها پس از آزادی، موقوفه‌های بردگان آزادشده و ویژه ارباب آزادکننده خود و فرزندان، مردان و زنان بی‌همسر، موقوفه تبدیل ظروف کهنه خانگی به نو، موقوفه‌های خانوادگی (که پس از انقراض نسل به فقرا می‌رسید)، موقوفه‌های ویژه بیکاران، موقوفه‌های ویژه زندانیان، موقوفه‌های ویژه آزادی اسیران مسلمان در جنگ‌های صلیبی، موقوفه‌های مشترک میان فرزندان واقف و سپس آزادی اسیران، موقوفه‌های ویژه حج‌گذاری تهیدستان، موقوفه‌های ویژه اطعام تهیدستان (شیخه، ۱۴۳۵: ۲۰۹-۱۸۶)

عروه ام‌موسی یکی از تک‌همسران مغربی منصور، خلیفه عباسی در بغداد شهر نوساز ایرانی و پایتخت خلافت عباسی (از ۱۴۵-۶۵۶ق) در اواخر عمر خود بنایی را ویژه نوزادان دختر وقف کرد که تا حدود

یکصد سال پس از او برقرار بوده است (جاحظ، ۱۹۹۱: ۲۱۳)

همانطور که از این گزارش‌های گزینش شده هم استنباط می‌شود در عرصه نظام اجتماعی شهر و کوشش برای مقابله با ظهور فاصله‌های طبقاتی در میان شهروندان، زنان موقوفه‌گذار با ابداع موقوفه‌های حمایتی در موضوعات گوناگون، نگرش گسترده خود به ابعاد کاستی‌های بحران‌زای اجتماعی را نشان داده‌اند و جلوه‌های قابل‌تأملی از همیاری‌های محترمانه و همراه با حفظ کرامت انسانی را تصویر نموده‌اند.

۴. موقوفه‌های مذهبی - علمی - فرهنگی و هنری زنان در تمدن اسلامی

جامعه انسانی افزون بر نیازهای مادی، نیازهای معنوی پرشماری هم دارد تا بتواند زندگی همراه با آرامش داشته باشد. مذهب و مراسم مذهبی نیازهای معنوی انسان را برطرف می‌کنند، علم و دانش ازبین‌برنده نادانی‌های انسان و بخشنده آگاهی‌های لازم برای زندگی شهری دسته جمعی است، فرهنگ انسان را به دیگر اعضای جامعه پیوند می‌دهد و یک فضای فکری مشترک می‌سازد و هنر تجلی‌گاه متعالی‌ترین نیازهای زیبایی‌خواهی انسانی و نیز قدرت تمدن‌سازی اوست. در توسعه پایدار شهری نمی‌توان و نباید به این گروه از نیازها بی‌توجه بود؛ چنان که مسلمانان نیز در نظام شهرسازی خود به این امور توجه داشته‌اند. موقوفه‌سازی‌های پرشماری از زنان به این بُعد از نیازهای زندگی شهری اختصاص یافته است.

۴-۱. مساجد

مسجد از کهن‌ترین بناها در تاریخ اسلام و عصر دعوت نبوی است. نخستین کاربری مساجد، عبادی بود و مسلمانان مراسم دعا و نمازهای پنج‌گانه خود را از عهد نبوی در مسجد به‌جا می‌آوردند و به دلیل جمع شدن مسلمانان در این مکان مذهبی، به‌طور طبیعی کارکردهای دیگری نیز در گذر زمان برای مساجد به‌وجود آمد. اما این اجتماع مذهبی در مسجد آن را به جایی برای تقویت هویت مذهبی و انسجام اجتماعی روزانه ساکنان شهرها در ایران و جهان اسلام تبدیل کرد و رفته‌رفته موقعیت نمادینی به آن بخشید. همین امر به انگیزه تعداد پرشماری از ثروتمندان مرد و زن مسلمان برای ساخت و تجهیز و به‌سازی مساجد

تبدیل شد و در نتیجه، یکی از موارد مصرف موقوفات گسترده در سراسر جهان اسلام ساخت مسجد گردید. زنان مسلمان در این موضوع نیز همانند دیگر موارد دست به کار ساخت مساجد بزرگ و کوچک شدند و در این راه، موقوفه‌های فراوانی را به‌وجود آوردند.

کهن‌ترین مساجد جامع جهان اسلام را فاطمه، دختر محمد بن عبدالله فهری و نیز خواهرش مریم در سده سوم در شهر فاس مراکش با موقوفات فراوان بنا کردند. مسجد اول، جامع قرویین نام گرفت و دومی به جامع اندلس معروف شد که تا کنون پابرجا بوده و مرکز خدمات علمی و آموزشی گوناگون شده‌اند (ابن ابی زرع، ۱۹۷۲، ۱: ۷۶) یکی دیگر از این نمونه‌ها مسجد جامع الغرافه در مصر عصر فاطمی است که توسط سیده تغریب یا سیده المعزیه همسر خلیفه المغز لدین الله فاطمی در سده چهارم بنا شد و پس از الازهر، به دومین مسجد جامع با موقوفات فراوان تبدیل شد که مراسم ویژه در آن برگزار می‌گشت و همچنین آسیابی برای تهیه آرد موردنیاز تهیدستان داشت (ماجد، ۱۹۸۵م: ۱۲۰-۱۲۲). سپس در ایران، مسجد جامع گوهرشاد خاتون که به مناسبت دیگری از آن یاد شد، محل عبادت و تدریس و اعتکاف و مراسم دینی دیگر بود و با گذشت ششصد سال از بنای آن، موقوفات فراوانی این مسجد را حمایت مالی کرده‌اند.

۴-۲. مدارس

در کنار مساجد، دومین بنای مهم در عرصه علم و فرهنگ، مدارس بودند که با توجه جایگاه فوق‌العاده علم در فرهنگ اسلامی، ساخت مکانی ویژه برای آن در قلمرو جهان اسلام، رونق فراوانی یافت و زنان موقوفه‌گذار هم در این عرصه بسیار درخشیدند.

در عراق و به‌ویژه شهر بغداد ساخت مدارس ویژه مذاهب رونق داشت و زنان نیز در آن موقوفه‌گذاری می‌کردند. به‌عنوان مثال مدرسه حنفی‌ها توسط عصمت خاتون، همسر خلیفه المستظهر بالله عباسی برپا شد و یک سال نیز پابرجا بود (ابن الساعی، بی‌تا: ۱۰۸-۱۰۹). مدرسه حنبلی‌ها توسط بنفشه، کنیز خلیفه المستنصر بالله عباسی ویژه حنابله و با مدیریت ابن جوزی (ابن جوزی، ۱۳۵۷ق، ۱۰: ۱۵۸) تأسیس

گشت که یکصد سال نیز پابرجا بود (جواد، بی تا: ۱۶۷-۱۶۸). مدرسه شافعیان به وسیله دیگر کنیز المستنصر عباسی (زمرد خاتون) در همین شهر بنا شد (ابن کثیر، ۱۱: ۸) و ساخت مدرسه مذاهب اربعه توسط باب بشیر (متوفی ۶۵۲ق) از کنیزان المستعصم عباسی به سبک مدرسه المستنصریه با کتابخانه‌ای ارزشمند که به مدرسه بشیریه مشهور شد (جواد علی، بی تا: ۱۹۷-۱۹۸)

در شام سده‌های ششم و هفتم ه.ق، ابن جبیر جهانگرد معروف نام شماری از موقوفه‌گذاران نام‌آور زن در ساخت مدرسه و رباط را در سفرنامه خود آورده است (ابن جبیر، ۲۰۰۳م: ۲۱۴)؛ زنانی چون عصمت‌الدین خاتون، بانی مدرسه خاتونیه (نعیمی، ۱۹۸۸م، ۱: ۲۰۷)؛ حظ الخیر خاتون، بانی مدرسه فرخشاه (همان: ۵۶۱)؛ الست عذراء، بانی مدرسه عذراویه (بدران، ۱۹۸۶م: ۱۰۴)؛ ست الشام زمرد، بانی مدرسه‌های الشامیه، البرانیه و الشامیه الجوانیه با اوقاف فراوان (نعیمی، ۱۹۸۸م، ۱: ۷۹)؛ ربیعہ خاتون، بانی مدرسه الصاحبیه (همان، ۱: ۵۶۷)؛ خدیجه خاتون، بانی مدرسه المرشدیه (محمد کردعلی، ۸۶)؛ بابہ خاتون، بانی مدرسه العادلیه الصغری در سال ۶۵۵ق که در میان مدارس برجای مانده به دلیل در اختیار بودن متن وقف‌نامه‌اش شهرت یافته است (زیرا در آن متن می‌توان اطلاعات جزئی از موضوعات درسی، طبقات سه‌گانه طلاب و نیز شهریه ماهانه هر طبقه و تربیت علمی ایتم و امکانات مالی اختصاص یافته به آنها و همچنین هزینه ویژه برای ماه رمضان به دست آورد) (ارناؤوط، ۲۰۱۴م: ۷۷-۷۴).

در سده هفتم و هشتم در یمن، فعالیت زنان در موقوفه‌گذاری رونق داشت (ابن ابی‌مخرمه، ۱۹۸۷م: ۲۱۰). از جمله مهم‌ترین زنان بانی ساخت مدرسه در این دوره می‌توان موارد زیر را نام برد:

الحره لؤؤة، بانی مدرسه العومانیه (الجنیدی، ۱۴۱۴ق، ۲: ۱۷۲)؛ الذار النجمی، بانی مدرسه‌های گوناگون در یمن مانند مدرسه النجمیه با موقوفاتی گسترده و المدرسه الشرقیة و المدرسه الشهابیه (همان: ۲۵۲-۲۵۳) و ندیمه او معروف به زات دارها، بانی مدرسه الزاتیه (سنیدی، ۱۴۲۴ق: ۱۵۰-۱۴۷)؛ مدرسه شمسیه با وقفنامه‌ای عالی که در آن حقوق امام جماعت، مؤذن، مدرسان و معلمان و طلاب و ایتم درج شده است و مدرسه شمسیه ثانویه در شهر زبید یمن با موقوفات عالی (خرزجی، ۱۳۲۹ق، ۱: ۲۹۳)؛

الست مریم، بانی چندین مدرسه مانند مدرسه السابقیه در زبید و دیگر مدارس (ابن الدبیع، ۱۹۸۳م، ۱: ۴۳۰)؛ نبیله، بانی مدرسه اشرفیه با موقوفات کامل (سنیدی، ۱۴۲۴ق، ۱: ۴۳۰). مادر یکی از سلاطین رسولی یمن، بانی مدرسه و خانقاهی در زبید با موقوفات فراوان (خزرجی، ۱۳۲۹ق، ۲: ۱۱۸) است و بانو فاتن ماء السماء، بانی مدرسه الفاتییه در جنوب شهر زبید و نیز آبادگر راه موسوم به «سبیل الفاتی» می‌باشد (ابن الدبیع، ۱۹۸۳م: ۱۰۰). الحرة آمنة، مسجد فوفله در شهر زبید را بنا نهاد (خزرجی، ۱۳۲۹ق: ۷۹) و جبهه الطواشی، همسر ملک الافضل اهل علوم دینی و ادبی و بانی مدرسه‌ای در شهر تعز و همچنین مدرسه‌ای در مکه با موقوفه‌ای عالی برای هزینه‌های آموزشی بود (ابن ابی‌مخرمه ۱۹۸۷م: ۱۳۹). الحرة ام الملوک، بانی مهم‌ترین مدرسه برجای مانده از عهد رسولیان یمن معروف مدرسه الفرحانیه است که از نظر سبک معماری بسیار ارزشمند می‌باشد (ابن الدبیع، ۱۹۸۳م: ۱۰۸)

۳-۴. رباطها

رباط، محل اسکان طالبان علم بود از مناطق گوناگونی به مراکز علم در جهان اسلام سفر می‌کردند و رفته‌رفته به صوفیان اختصاص یافت. یکی از نخستین رباط‌سازان، ارجوان ارمنی، کنیز خلیفه القائم بامر الله و مادر خلیفه المقتدی بأم‌الله بود که در سده پنجم قمری رباطی در بغداد ساخت. این رباط به سبب پایداری تاریخی، محل اسکان شماری از طالبان علم شد که بعدها از دانشوران مشهور جهان اسلام شدند (حواد علی، همان، ص ۱۳۹). سلجوقه خاتون، همسر الناصر لدین الله عباسی، بانی رباطی ناتمام موسوم به رباط سلجوقیه بود که خلیفه با اختصاص کتابخانه‌ای ویژه (عاریه کتاب بدون گرویی گرفتن) آن را تکمیل کرد و مورد استفاده شمار فراوانی از دانشوران همچون ابن‌العذیم؛ مؤلف زبدة الحلب و یاقوت حموی؛ مؤلف معجم البلدان قرار گرفت (ابن الساعی، بی‌تا: ۱۱۸-۱۱۷). این رباط تا سده دوازدهم هجری -قمری برجای ماند (حواد علی، همان، ص ۱۸۹)

۴-۴. موقوفات علمی به جز مکان‌های آموزشی

موقوفه‌های علمی به مدارس اختصاص نداشت، بلکه مصادیق دیگری از وقف علمی را نیز در برمی‌گرفت که در ادامه به آنها اشاره می‌شود.

۴-۴-۱. موقوفه‌های ویژه کتاب و کتابخانه‌ها

در این راستا به نام زنانی برمی‌خوریم که با هدف قُرب معنوی کتاب یا کتاب‌هایی نگاشته‌اند و آنها را وقف کرده‌اند؛ کسانی چون فاطمه بنت محمد سمرقندی، اهل علم و فضل و فقاہت و علم الحدیث با خطی خوش و کرسی تدریس و استفاده از استادان به نام و همچنین برخوردار از شاگردان پرشمار که کتاب‌هایی در فقه و حدیث تألیف نموده است و آنها را موقوفه قرار داده است. همچنین امه اللطیف، دختر ناصح الحنبلی با نگارش کتاب‌های متعدد وقفی مانند التسدید فی شهادة التوحید و برّ الوالدین و محبة الله و رسوله در این زمینه فعال بوده است (ذهبی، ۲۰۰۳م، ۱۴: ۷۴۱)).

۴-۴-۲. وقف کتاب‌های عمومی

یکی از بانوان واقف در این زمینه، عایشه القرطبیة (د. ۴۰۰ق) است که میان زنان روزگار خود در علم و فهم و فصاحت و خط خوش سرآمد بود. او کتابخانه‌ای پر از کتاب‌های وقفی برای مطالعه طالبان علم فراهم آورد (ذهبی، ۲۰۰۳م، ۸: ۸۱۶). همچنین ام الغلاء العبدریة (د. ۶۴۷ق) آموزگار زنان بود و بارها آثاری چون احیاء العلوم غزالی و دیگر کتاب‌های علوم دینی را استنساخ کرده و وقف نمود (عبدالوهاب، ۱۳۵۳: ۷۳-۷۴).

۴-۴-۳. کتابخانه‌های موقوفه‌ای

از دیگر موقوفات زنان در حوزه علم، کتابخانه‌های موقوفه‌ای است که به شماری از آنها اشاره می‌شود. رباط‌ها خدمات گوناگونی به ساکنان خود ارائه می‌کردند که یکی از آنها خدمات علمی از جمله کتابخانه‌ها بودند و شماری از زنان موقوفه‌گذار اموال خود را وقف آنها می‌نمودند که در ادامه به نمونه‌هایی

اشاره می‌شود.

خزانه کتاب‌های مدرسه خاتونیه که بانی آن زمرد خاتون بوده (د. ۵۵۷ق) و اوقاف گسترده‌ای برای آن در نظر داشته است. یاقوت حموی در سال ۶۱۴ق از این کتابخانه بازدید کرده است و از عظمت و شمار فراوان کتاب‌های آن و همچنین امکانات رفاهی‌اش یاد نموده است (حموی، بی‌تا، ۵: ۱۱۴). نمونه دیگر، خزانه کتاب مدرسه بشیریه است که بانی این مدرسه سیده بشیر، همسر خلیفه المستعصم بالله عباسی (د. ۶۵۶ق) بود. این مدرسه پس از مدرسه مستنصریه، از بزرگترین مدارس بغداد به شمار می‌آمد. به گفته ابن الفوطی ۳۶ صندوق کتاب در روز افتتاح آن مدرسه به کتابخانه آن منتقل شد (همان، ۲: ۵۱۸).

۵. موقوفه‌های فرهنگی-هنری زنان

یکی از موقوفه‌های خیزران، مادر خلیفه الهادی و الرشید (حک ۱۶۹-۱۹۳ق) خرید خانه محل تولد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و تبدیل آن به مسجد المولد بود که یکی از فضاهای تاریخی شهر مکه به شمار می‌آمد و با این خرید در قالب موقوفه، حفظ شد و این پیشینه مهم شهر مکه در دوره اسلامی برای سده‌های متمادی بعدی پابرجا ماند. همچنین به اهتمام او، خانه تاریخی دارالارقم هم که نقطه آغازین دعوت علنی حضرت رسول صلی الله علیه و آله در تاریخ اسلام به‌شمار می‌آید، به مسجد تبدیل شد و به نام بانوی واقف، به «مسجد خیزران» شهرت یافت. این دو موقوفه تاریخی شهر مکه هنگام بازدید جهانگرد مسلمان ابن جبیر در سده ششم هجری^۱ یعنی حدود چهارصد سال پس از وقوع این وقف، از پایداری موقوفه و کارآمدی چهارصد ساله آن حکایت دارد. مدرسه ترکان خاتون نیز کارکردهای هویتی و هنری ویژه دارد و موضوع پژوهشی مستقل نیز قرار گرفته است (امامی خویی، ۱۳۹۲: ۲۸-۲۷) چنان که موقوفه مسجد جامع گوهرشاد آغا در مشهد نیز یکی از بدیع‌ترین سبک‌های معماری اسلامی را به نمایش گذاشته است و پژوهش‌های مختلفی را در عرصه هنر اسلامی به خود اختصاص داده است (زمرشیدی، ۱۳۹۰:

۳۲-۱۷؛ صالحی فرد، ۱۳۸۹: ۲۰-۳)

زنان مسلمان موقوفه‌گذار بر پایه همین گزارش‌های منتخب در ایجاد فضاهای مذهبی، فرهنگی، علمی و هنری نیز نقشی مؤثر ایفا کرده‌اند. ایشان با ساخت مساجد و مدارس و رباط‌ها در خلق فضای عبادی، فرهنگی، علمی و هنری شهرها و ایجاد آثار مثبت هویتی، انسجام اجتماعی و آگاهی‌بخشی علمی و فرهنگی و پرورش ذوق‌های هنری و ساخت نمادهای برجسته‌ای از انواع هنرها در این بناها مشارکت نموده‌اند و شهرها را برای زیست اجتماعی برتر ساکنان و شهروندان آماده کرده‌اند.

نتیجه‌گیری

در این مقاله و در چهارچوب نظریه توسعه پایدار شهری و اثبات روایی کاربرد آن برای شهرهای عصر پیشاصنعتی این نکته‌ها به دست آمد:

۱. شهرهای عصر پیشاصنعتی از جمله شهرهای تأسیس شده در ایران و جهان اسلام به‌عنوان قلمرو تمدن اسلامی به شدت محیط زیست‌محور بوده و ساخت‌وساز شهری در هماهنگی کامل با حفظ محیط زیست برپا می‌شدند و در این راه موقوفات شهری از جمله موقوفات زنان، نقشی مؤثر در حفاظت از محیط زیست برای جمعیت ساکن در شهرها و نیز آیندگان آنها ایفا کرده‌اند.

۲. موقوفات زنان هم در ایران و هم در جهان اسلام در کاهش فاصله طبقاتی جمعیت شهری و حفظ سلامت آنان و حمایت از خانواده و طبقات محروم و گسترش عدالت، نقشی مؤثر در تعادل اجتماع شهری داشته است و از این راه به توسعه پایدار کمک کرده است.

۳. موقوفات زنان در رونق اقتصادی شهرها نقش‌آفرینی کرده و با توسعه و نگهداشت راه‌های درون‌وبرون شهری از یک‌سو و نیز با حمایت از راه‌های بازرگانی و فراهم آوردن سرمایه برای بازرگانان به توسعه پایدار شهر کمک کرده است.

۴. موقوفات زنان با سرمایه‌گذاری درباره توسعه فضای علمی- فرهنگی و هنری شهرها به هویت‌دار شدن شهرها و ساکنان آنها یاری کرده است و همه لایه‌های هویتی چون مذهب، علم، فرهنگ و هنر از

موقوفات زنان بهره‌مند شده‌اند و از عوامل توسعه پایدار شهری گردیده‌اند.

۵. جریان موقوفه‌گذاری زنان در ابعاد چهارگانه‌ای که به توسعه پایدار شهری کمک نموده است، شاهدی گویا بر هوشمندی و درایت و آینده‌نگری و جامع‌نگری زنان موقوفه‌گذار می‌باشد. ایشان با گذر از فردانیت خود به رویکرد زیست برتر جمعی در شهرها رسیده بودند و موقوفه‌های متنوع خود را نماد بینش اجتماعی و تمدنی خویش قرار دادند.

۶. موقوفات زنان همچنین از احترام اسلام و جامعه اسلامی به حق مالکیت زنان و مشارکت آنان در انواع موقوفه‌گذاری‌ها در عرصه‌های گوناگون اجتماع شهری در همه ادوار تاریخی پرده برداشته است و جلوه‌هایی بی‌بدیل از محبت‌گستری انسانی مورد تأکید اسلام را نیز به نمایش گذاشته است.

۷. دایره گسترده حمایتی موقوفات زنان حتی بردگان (غلامان و کنیزان) را نیز دربرمی‌گیرد و با موقوفه‌های بزرگ و پرشمار، زندگی پس از آزادی شماری از آنان و نسل ایشان را فراهم ساخت. به‌طور متقابل شماری از آزادشدگان بخشی از دارایی‌های خود را وقف اولاد ارباب آزادگر خود ساختند، تا جلوه‌ای بی‌بدیل از رأفت و محبت انسانی و دیگربینی را در بالاترین سطح ممکن به نمایش بگذارند.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. ابن ابی الدبیع، عبدالرحمن بن علی (۱۹۸۳م)، الفضل المزیذ فی بغیة المستقید فی اخبار زبید، تحقیق یوسف شلحد، صنعاء: مرکز الدراسات والبحوث الیمنی.
۳. ابن ابی زرع (۱۹۷۲م)، الأنیس المطرب بروض القرطاس، دارالمنصور بالرباط.
۴. ابن ابی مخرمه (۱۹۸۷م)، تاریخ ثغر عدن و تراجم علمائها، اعتنى به حسن علی عبدالحمید، بیروت: دار الجیل و دار عمار.
۵. ابن بطوطه (۱۹۷۵م)، رحله ابن بطوطه، بیروت: دارالرساله.
۶. ابن تغری بردی (۲۰۰۵)، النجوم الزاهره فی اخبار ملوک مصر و القاهره، قاهره: دارالکتب والوثائق المصریه.
۷. ابن جبیر (۲۰۰۳م)، رحله ابن جبیر، قدم لها ابراهیم شمس الدین، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۸. ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمان بن علی (۱۳۵۷)، المنتظم فی تاریخ الملوک والامم، حیدرآباد: دارالمعارف العثمانیه.
۹. ابن الساعی (بی تا)، نساء الخلفا المسمى جهات الأئمة الخلفاء من الحرائر و الآماء، حققه و علق علیه مصطفی جواد، قاهره: دارالمعارف.
۱۰. ابن عبدربه (۱۹۹۰م)، اخبار النساء فی العقد الفریذ، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۱. ارجح، اکرم (۱۳۹۱)، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، پائیز و زمستان ۱۳۹۱ش ۵۲-۵۳.
۱۲. أرناؤوط، محمد (۲۱۰۴م)، وقف المرأة فی العالم الاسلام مقاربه جدیده لمكانه المرأة فی المجتمع، بیروت: نشر جداول.

۱۳. اهلرز، اکارت (۱۳۷۴)، «موقوفات دینی و شهر شرق اسلامی»، ترجمه مصطفی مؤمنی و محمدضیاء تونان، فصلنامه وقف میراث جاویدان، انتشارات سازمان اوقاف و امور خیریه، ش ۱۰.
۱۴. بدران عبدالقادر (۱۹۸۶م)، منادمه الاطلاع و مسامره الخیال، دمشق: المجمع الغربی للتألیف و الدراسات و الترجمة.
۱۵. بغدادی، ابوبکر احمد بن علی (بی تا)، تاریخ بغداد، بیروت: دارالکاتب العربی.
۱۶. پور احمد، احمد و دیگران (۱۳۹۲)، «بررسی وقف در توسعه و سامان دهی فضای شهرها؛ مطالعه موردی شهر لاجین»، فصلنامه علمی پژوهشی شهر ایرانی اسلامی، شماره ۱۲، صص ۵-۱۴.
۱۷. ترکمنی آذر، پروین (۱۳۹۸)، «نقش هوشمندی و تدبیر سیاسی حکومت‌گران در ایجاد امنیت و توسعه جامعه؛ مطالعه موردی: حکومت ترکان خاتون قرختائی در کرمان»، مجله جستارهای تاریخی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دوره اول، شماره اول.
۱۸. جاحظ (۱۹۹۱م)، المحاسن والاضداد، بیروت: دارالهلال.
۱۹. الجندی، محمد بن یوسف (۱۴۱۴ق/۱۹۹۳م)، «السلوک فی طبقات العلماء و الملوک»، تحقیق محمد بن علی بن الحسین اکوع حوالی، یمن: مکتبة الارشاد.
۲۰. جواد، مصطفی (بی تا)، سیدات البلاط العباسی، بیروت: دارالفکر للجمع.
۲۱. چراغی، زهره؛ زارع سنگدرازی، صفا (۱۳۹۸)، «موقوفات زنان یزد از دوره آل مظفر تا اواخر قاجاریه (دهه دوم قرن ۷ تا اواخر قرن ۱۳)»، پژوهشنامه تاریخ اجتماعی اقتصادی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دوفصلنامه علمی، سال هشتم، شماره دوم، صص ۸۳-۳۱.
۲۲. چمنکار، محمدجعفر؛ صدیقی، مینا (۱۳۹۱) «تأثیر روابط متقابل مغول با قراختاییان کرمان در توسعه اقتصادی هرمز، مجله مطالعات تاریخ ایران اسلامی، ش ۲، صص ۳۶-۱۸.
۲۳. خیراندیش، وقف، میراث جاویدان، ۱۳۷۹ ش ۲۹.
۲۴. حافظ ابرو (۱۳۷۲)، زبدة التواریخ، مقدمه و تصحیح سید کمال حاج سید جواد، تهران: چاپ و

انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۲۵. حضرمی، عبدالله بن عبدالله (۲۰۰۰م)، زبید مساجدها و مدارسها العلمیة فی التاریخ، دمشق: المركز الفرنسى للدراسات الیمینه بصنعاء و المعهد الفرنسى للدراسات العربیة ریاحی، محمد حسین (۱۳۸۹)، «موقوفات ماندگار بانوان از اصفهان عصر صفوی»، فصلنامه وقف میراث جاویدان ش ۷۱، ص ۱۶۱-۱۳۹.

۲۶. حلی (۱۴۲۰ق)، تحریر الاحکام الشریعه، بی‌جا، بی‌نا.

۲۷. خزرجی، علی بن الحسن (۱۳۲۹ق/۱۹۱۱م)، العقود لؤویة فی تاریخ الدولة الرسولیة، غنی بتصحیحه محمد بسیونی، قاهره: مطبعة الهلال.

۲۸. ذهبی (۲۰۰۳م)، تاریخ الاسلام، ج ۱۴، بی‌جا، بی‌نا.

۲۹. رشید، بن الزبیر (۱۹۵۹م)، الذخائر و التحف، کویت، بی‌نا.

۳۰. روستا، جمشید؛ پورمهدی‌زاده، سحر (۱۳۹۷)، «تحلیلی پیرامون رویکرد اقتصادی زنان حاکمه قراختایی کرمان»، پژوهشنامه تاریخ‌های محلی ایران، ش ۲، ص ۱۷۲-۱۵۳.

۳۱. زمرشیدی، حسین (۱۳۹۰)، «مسجد بی‌نظیر جامع گوهرشاد و هنرهای قدسی معماری»، مجله مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ش ۲، ص ۱۷-۳۲.

۳۲. زناتی، انور محمود، مجله الدراسات العربیة، کلیة دارالعلوم جامعة مینا

۳۳. سنیدی، عبدالعزیز (۱۴۲۴ق/۲۰۰۳م)، المدارس الیمینه فی عصر الدولة الرسولیة، ریاض، بی‌نا.

۳۴. شاطری، مفید؛ و آرزومندان، راضیه (۱۳۹۱)، «بررسی روند تغییرات نقش و جایگاه موقوفات زنان از دوره صفوی تا عصر حاضر (مطالعه موردی شهرستان های بیرجند، درمیان، سریشه)، مجله زن در فرهنگ و هنر، دوره ۴، ش ۱، صص ۲۳-۵.

۳۵. شاطری مفید، طاهره جعفرزاده، مجموعه مقالات بین المللی وقف و تمدن اسلامی، جلد ۳ تهران:

انتشارات اسوه، ص ۱۲۱-۷۹.

۳۶. شهابی، محمدرضا (۱۳۸۳)، «مبانی و چهارچوب‌های وقف در شکل‌گیری فضای شهری»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ش ۷۲، ص ۱۵۰-۱۳۵.
۳۷. شیخه بنت محمد بن عائض الدوسری (۱۴۳۵ق)، اوقاف النساء فی بلاد الشام و اثرها فی الحیاة العامة خلال العصر المملوکی، رساله تاریخیة الحضاریة، جامعة الامام محمد بن سعود الاسلامیة، کلیه العلوم الاجتماعیة قسم التاریخ و الحضارة.
۳۸. صالحی فرد، محمد؛ محمدرزاده، ندا (۱۳۸۹)، «مسجد گوهرشاد، آیینۀ معماری و هنر ایرانی اسلامی»، مجله گردشگری، ش ۲۶، ص ۱۹-۱۶.
۳۹. ضرابی، اصغر؛ رضایی، مریم (۱۳۹۲)، «برنامه‌ریزی توسعه پایدار شهری، مجله سپهر، دوره ۲۲، ص ۱۲-۱۷.
۴۰. عرب بن سعید (۱۸۹۹م)، صله تاریخ الطبری، تحقیق دخویه لیدن ۱۸۹۹،
۴۱. فرهی فریمانی، مریم؛ حقیقت‌بین، مهدی (۱۳۹۵)، «واکاوی ادراک ایرانیان در مواجهه با طبیعت»، مجله علمی پژوهشی شهر ایرانی اسلامی، ش ۲۴، ص ۴۲-۳۳.
۴۲. فکری، أحمد (۱۹۶۵م)، مساجد القاهرة ومدارسها، قاهره: دارالمعارف.
۴۳. کاشانی، ابوالقاسم (۱۳۴۵)، عرایس الجواهر و نفایس الاطایب، به کوشش ایرج افشار، تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.
۴۴. ماجد عبدالمنعم (۱۹۸۵م)، نظم الفاطمیین و رسومهم فی مصر، قاهره: مکتبه الانجلو المصریة.
۴۵. مروءه غازی، محمد؛ بدیع، محمد ابراهیم، مجله دراسات العلوم الانسانیة و الاجتماعیة، المجلد ۴۷، عدد ۲، سنة ۲۰۲۰م
۴۶. مقریزی، تقی الدین (۱۹۷۱م)، اتعاظ الحنفا بأخبار الآئمة الفاطمیین الخلفاء، تحقیق محمد حلمی، قاهره: لجنة احیاء التراث.
۴۷. ملک‌زاده، الهام؛ افرافر، مرضیه (۱۳۹۶)، «کارکردهای موقوفات زنان از مشروطه تا پایان دوره پهلوی اول

- (نمونه پژوهی: موقوفات زنان تهران)»، پژوهش‌های تاریخی، ش ۳۵، ص ۲۵۷-۲۷۱.
۴۸. مؤلف ناشناس (۱۳۵۵ش)، تاریخ شاهی قراختاییان، به تصحیح محمد ابراهیم باستانی پاریزی، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
۴۹. نعیمی، عبدالقادر (۱۹۸۸م)، الدارس فی تاریخ المدارس، تحقیق جعفرالحسینی، قاهره: مكتبة الثقافة الدینیة.
۵۰. یاقوت، حموی (بی‌تا)، معجم البلدان، بیروت: دارالفکر.
۵۱. یزدی مطلق (فاضل)، محمود (۱۳۸۰)، «مسجد گوهرشاد مشهد و موقوفات آن»، وقف میراث جاویدان، سال نهم، ش ۳۵-۳۴.
۵۲. یعقوبی، احمد بن اسحاق (۱۹۶۲م)، مشاکله الناس لزمانهم، بیروت: دارالکتب الجدید.